

راهکارهای انتقال ارزش‌های دینی به کودکان از منظر روایات

فاطمه فرهادیان^۱، فاطمه حبیبی^۲

چکیده

ارزش‌های دینی اموری هستند که خداوند به واسطه جبرئیل بر پیامبر برای هدایت بشر و رشد و تعالی و سعادت نسل جدید نازل نموده است. انتقال ارزش‌های دینی به کودکان از جمله دغدغه‌های والدین دیندار به عنوان متولیان اصلی تربیت است؛ زیرا اگر افرادی در آغاز دوران کودکی از آموزه‌های دینی بی‌بهره بمانند و خانواده و مدرسه نیز نسبت به شکوفایی هویت دینی آنان بی‌توجه باشند، تصور صحیحی از هویت دینی به دست نخواهند آورد. از آنجایی که روایات برخی از راهکارهای انتقال ارزش‌های دینی به کودکان را بیان نموده‌اند، این نوشتار می‌تواند در استخراج راه کارهایی در این زمینه مؤثر باشد. از یافته‌های این پژوهش به روش توصیفی تحلیلی با مراجعه به کتابخانه‌ها این است که آشنا ساختن با علوم اهل بیت (علیهم السلام)، سیره عملی و گفتاری آنان، آموزش دادن احکام و مسائل دینی، تقویت نیروی ایمان، شرکت دادن کودک در مراسم‌های دینی، ارائه الگو و سرمشق مناسب، بیان عبرت و پندآموزی و تشویق به تفکر در پدیده‌های هستی از جمله راهکارهای مستقیم و غیرمستقیم انتقال ارزش‌های دینی به کودکان از منظر روایات است.

واژگان کلیدی: راهکار، ارزش‌های دینی، کودکان، روایات.

^۱. مدرس و پژوهشگر، ارشد روانشناسی، f.farhadyan.۱۶۹@gmail.com

^۲. طلبه سطح دو حوزه علمیه اهل بیت (علیهم السلام) ملک شهر، f.habibi@gmail.com

مقدمه

ارزش‌های دینی به آن دسته از ارزش‌ها اطلاق می‌شود که اکثر انسان‌ها یا افراد یک جامعه آن‌ها را مثبت و مطلوب می‌دانند، مانند شجاعت، صداقت، کمک به دیگران، حمایت از افراد مظلوم، احترام به بزرگ‌ترها و دفاع از وطن. انسان به منظور دستیابی به کمال و نزدیکی به حق آفریده شده و خداوند نیز پیامبران و اولیای الهی را با برنامه‌ای جامع برای سعادت بشری به میان مردم فرستاده است تا با پیروی از این بزرگواران، به سعادت واقعی دست یابند. در این راستا، هویت دینی پدیده‌ای است که به تدریج و با عمل به آموزه‌های وحیانی شکل می‌گیرد.

بحران هویت که امروزه انسان‌های غربی را درگیر کرده، نتیجه نگرش مادی‌گرایانه به زندگی و بی‌توجهی به وحی و دین است. نسل جوان به‌ویژه بیشتر از سایرین با این بحران مواجه شده است و با بررسی و تحلیل عواملی که به آسیب‌های هویتی در این نسل منجر می‌شوند، می‌توان به این نتیجه رسید که دوری کودکان از ارزش‌های دینی در دوران کودکی و نوجوانی، به بی‌هویتی آنان کمک می‌کند. بدون شک، اگر افراد در آغاز دوران کودکی و همچنین در هفت سال دوم زندگی خود از ارزش‌های دینی محروم بمانند و خانواده و مدرسه نیز نسبت به پرورش آن‌ها بی‌توجه باشند، نمی‌توانند درک درستی از ارزش‌های دینی مانند شجاعت، صداقت، کمک به دیگران، حمایت از مظلوم و احترام به بزرگ‌ترها پیدا کنند. بنابراین، در این نوشتار با توجه به اهمیت انتقال ارزش‌های دینی به کودکان، به بررسی راهکارهای این انتقال در کلام ارزشمند ائمه اطهار، شامل راهکارهای مستقیم و غیرمستقیم پرداخته می‌شود. در این مقاله تلاش شده است از روش توصیفی تحلیلی و منابع کتابخانه‌ای استفاده گردد.

از پیشینه این موضوع می‌توان گفت که کتب و مقاله‌های زیادی در زمینه ارزش‌های دینی و کودکان به رشته تحریر درآمده است از جمله: کتاب «آشنایی با طرح نهادینه سازی ارزش‌ها» اثر رضا فرهادیان؛ این اثر در سه فصل «درآمدی بر چیستی و ماهیت ارزش‌ها»؛ «شیوه اجرایی طرح در دبستان» و «نهادینه‌سازی ارزش‌ها در دبیرستان» تهیه و تدوین شده است. همچنین کتاب «دوران طلایی تربیت» از محمد علی قاسمی. در این کتاب به بعضی از شیوه‌های غیرمستقیم مثل داستان، شعر، فضا سازی، بهره گیری از بازی و نکته‌هایی برای تثبیت ارزش‌های دینی اشاره شده است. این دو کتاب از نظر موضوع و روش‌شناسی، با مقاله حاضر همپوشانی ندارد.

فرامرزی (۱۴۰۲) در مقاله «اهمیت انتقال اصول و ارزش‌های دینی به کودکان و نوجوانان به اهمیت انتقال اصول و ارزش‌های دینی به کودکان و نوجوانان اشاره نموده است اما به راهکارهای انتقال ارزش‌های دینی به کودکان از منظر روایات نپرداخته است.

شریعتی و گویا (۱۳۹۵) در مقاله «بررسی مفهوم ارزش‌های دینی و اخلاقی از دیدگاه اسلام و فلسفه»، سعی کرده‌اند ارزش‌های دینی و اخلاقی از منظر اسلام و فلاسفه به صورت مفهوم را تحلیل کنند؛ چرا که هدف ادیان این است تا جامعه انسانی را انسانی تر و اخلاقی تر کنند و به تبع در اکثر ادیان، به ویژه دین مبین اسلام، ارزش‌های اخلاقی با دین سازگاری و وفاق دارند.

مقدسی پور (۱۳۸۱) در پایان نامه «اصول و روش‌های آموزش مفاهیم دینی به کودکان دبستانی» به اصول و روش‌های آموزش مفاهیم دینی در کودکان دبستانی اشاره کرده است.

در این آثار نیز به طور شاخص به ارزش‌ها و راه‌های انتقال آن با ساختار متناسب بررسی نشده است. از این رو این مقاله با هدف شناسایی راهکارهای عملی برای انتقال ارزش‌های دینی به کودکان از منظر روایات تدوین شده است. با توجه به کتاب و نوشته‌های نویسندگان می‌توان

بیان کرد که به راهکارهای انتقال ارزش‌های دینی به کودکان از منظر روایات اشاره نشده، بنابراین نویسنده را بر آن داشت که به این تحقیق بپردازد.

مفهوم‌شناسی

۱- راهکار

راه در لغت به معنای روش، شیوه، طریقه (دهخدا، ۱۳۷۳؛ معین، ۱۳۸۶) و در اصطلاح، واژه “راهکار” به مجموعه‌ای از روش‌ها و شیوه‌هایی اطلاق می‌شود که فرد را در کشف ناشناخته‌ها یاری می‌کند. این اصطلاح شامل قواعدی است که در هنگام تحقیق و پژوهش مورد استفاده قرار می‌گیرند و همچنین ابزارها و فنون مختلفی که انسان را از اطلاعات ناآشنا به دانش و آگاهی هدایت می‌کنند، را در بر می‌گیرد (ساروخانی، ۱۳۷۵، ص ۵۴۰).

۲- ارزش‌های دینی

ارزش‌های دینی آن‌اموری هستند که مطلوب خداوند به عنوان نازل‌کننده و فرستنده دین برای هدایت بشر به سر منزل مقصود می‌باشد (فتوحی و موسوی نسب، ۱۳۹۴، ص ۷۰۱).

۳- انتقال ارزش‌ها

منظور از انتقال ارزش‌ها، ارزش‌هایی است که نسل‌های گذشته به آن‌ها پایبند بودند و اکنون باید این ارزش‌ها به منظور رشد، پیشرفت و سعادت نسل جدید منتقل شوند. در این راستا، نهادهای مختلفی از جمله والدین، خانواده، صدا و سیما، وزارت ارشاد اسلامی، حوزه‌های علمیه، همسالان و آموزش و پرورش مسئول حفظ و انتقال این ارزش‌ها هستند. تمام این نهادها مسئولیت انتقال این ارزش‌ها را بر عهده دارند. فرآیند انتقال ارزش‌ها شامل نقش مؤثر والدین، خانواده و نهادهای فرهنگی در آموزش و نهادینه‌سازی ارزش‌های دینی در نسل جدید می‌باشد.

۴- کودک

فرزند انسان از زمان تولد تا بلوغ، کودک یا «صغیر» نامیده می‌شود که معادل آن در زبان عربی «طفل» است (ابن منظور، ۱۴۰۸ق، ج ۱۱، ص ۱۰۴) در مصباح المنیر آمده است: «فرزند صغیر انسان را کودک (طفل) نامند. این لفظ بر فرزند مذکر (پسر) و مؤنث (دختر) و نیز جمع آن‌ها (فرزندان) اطلاق می‌گردد و تا زمانی که به سن تمیز نرسیده است، او را طفل صغیر می‌نامند.» (فیومی، ۱۴۲۸ق، ص ۳۷۴). به نظر می‌رسد این تعریف برای مفهوم کودک مناسب‌تر باشد؛ کودک به فرزند انسان از تولد تا بلوغ اطلاق می‌شود. در این دوران، کودک بیشترین ظرفیت را برای پذیرش آموزه‌های تربیتی و دینی دارد.

راهکارهای انتقال ارزش‌های دینی به کودکان از منظر روایات

با مراجعه به روایات راهکارهای انتقال ارزش‌های دینی به کودکان به دو قسم مستقیم و غیرمستقیم تقسیم می‌شود.

راهکارهای مستقیم انتقال ارزش‌های دینی به کودکان از منظر روایات

از جمله روش‌های مستقیم برای انتقال ارزش‌های دینی به کودکان، بر اساس روایات، می‌توان به آشنا کردن آن‌ها با علوم اهل بیت (علیهم السلام)، معرفی سیره عملی و گفتاری ایشان، آموزش احکام و مسائل دینی، تقویت ایمان و شرکت دادن کودکان در مراسم دینی اشاره کرد.

۱-۱- آشنا ساختن با علوم اهل بیت (علیهم السلام)، سیره عملی و گفتاری

آنان

اهل بیت (علیهم السلام) انسان‌های کامل و برگزیده‌ای هستند که از سوی خدا به عنوان الگوهای عملی و گفتاری برای هدایت بشر انتخاب شده‌اند. سخنان، رفتار و ویژگی‌های آنان

تجلی گر زندگی پاک انسانی و نمایانگر تمامی ارزش های الهی است. بنابراین، آشنایی کامل با علوم اهل بیت (علیهم السلام) و سیره عملی و گفتاری آن ها برای انتقال ارزش های دینی ضروری و حائز اهمیت است.

یکی از روش های مؤثر در انتقال ارزش های دینی از طریق سیره عملی و گفتاری اهل بیت (علیهم السلام)، بیان فضایل آن هاست. زیرا تبیین فضایل، معجزات، اخلاق و ویژگی های برجسته زندگی اهل بیت (علیهم السلام) به زبان ساده و قابل فهم برای کودکان، تأثیر بسزایی در افزایش علاقه و محبت آن ها به اهل بیت (علیهم السلام) دارد (احسانی، ۱۳۸۵، ص ۲۵).

در فرآیند آشنا کردن کودکان با اهل بیت (علیهم السلام)، همان طور که در سیره معصومان (علیهم السلام) مشاهده می شود، مناسب است که ویژگی های فردی، خانوادگی و محیطی آن ها و همچنین توضیحی کوتاه از زندگی شان به کودکان ارائه شود. به عنوان مثال، باید به کودکان توضیح داده شود که محل زندگی و وطن اصلی ائمه اطهار (علیهم السلام) شهر مدینه بوده است که محل زندگی رسول خدا نیز می باشد و مسلمانان چگونگی استقرار نسبت به آن احساس محبت و علاقه دارند. همچنین، ارائه توصیف ساده ای از شهر مدینه و مسلمانان در آن مفید خواهد بود. ارائه این اطلاعات به کودکان، به خصوص با تأکید بر اینکه اهل بیت (علیهم السلام) همگی فرزندان و اعضای خانواده پیامبر اسلام هستند، به آن ها کمک می کند تا بهتر با ائمه آشنا شوند و این آشنایی در ذهن شان تثبیت گردد.

به عنوان نمونه، روش آشنا سازی و معرفی با تأکید بر ویژگی های شخصیتی و خانوادگی در سیره ائمه اطهار (علیهم السلام) دیده می شود. به عنوان مثال، امام حسین (علیه السلام) در روز عاشورا به لشکر عمر سعد خود را این گونه معرفی کرد و فرمود: «آیا من فرزند دختر پیامبر شما و فرزند وصی او نیستم؟ آیا حمزه سید شهدا عموی پدرم و جعفر طیار ذوالجناحین عموی من

نیستند؟ به خدا سوگند، از مشرق تا مغرب، غیر از من کسی فرزند دختر پیامبر اسلام نیست و تنها من فرزند دختر پیامبر شما هستم».

همچنین، امام سجاد (علیه‌السلام) در مجلس یزید، در سخنرانی و خطبه‌ای که به درخواست اهل مجلس ایراد کرد، به معرفی خود و اهل بیت پدرش پرداخت.

۱-۲- آموزش دادن احکام و مسائل دینی

یکی از روش‌های انتقال ارزش‌های دینی به کودکان، امر و نهی‌های والدین و دیگر افراد است که به نوعی به آموزش دینی آن‌ها کمک می‌کند. کودک معمولاً کارهایی را که والدین از او می‌خواهند، درست تلقی کرده و به آن‌ها عمل می‌کند. اگر آموزش‌های والدین در زمینه احکام و معارف دینی به‌طور صحیح و آگاهانه ارائه شود، بسیاری از مشکلات دینی کودک برطرف خواهد شد. بنابراین، ضروری است که والدین ابتدا با احکام و مسائل دینی به‌طور کامل آشنا شوند و سپس آن‌ها را به درستی به فرزندان خود آموزش دهند. متأسفانه، بسیاری از والدین به دلیل غفلت یا عدم آشنایی کافی با مسائل دینی، مطالب نادرستی را به فرزندان خود آموزش می‌دهند که با احکام دینی در تضاد است. این آموزش‌های نادرست در محیط خانه می‌تواند منجر به برداشت‌های غلط فرزند از دین شود و عواقب ناخوشایندی، مانند انحراف فکری، به دنبال داشته باشد. در این زمینه، مسئولیت گناه و پیامدهای ناشی از این آموزش‌های نادرست برعهده والدین است و آن‌ها در آخرت مورد بازخواست قرار خواهند گرفت. از این رو، به والدین توصیه شده است که در این زمینه غفلت نکنند و پیش از آموزش دستورات دینی به فرزندان، خود نیز با معارف دینی آشنا شوند و آنچه را که رهبران دین در این خصوص بیان کرده‌اند، بیاموزند و سپس به فرزندان‌شان منتقل کنند (احسانی، ۱۳۸۵).

برای آموزش احکام دینی به کودکان، استفاده از داستان و بازی به عنوان یک روش مناسب تر در نظر گرفته می شود. در این شیوه، آموزش به طور مستقیم انجام نمی شود، اما کودکان با شنیدن داستان و مراحل انجام عمل مربوطه، با اصول و شیوه های آن آشنا می شوند. به عنوان مثال، می توانید در داستانی که برای کودک تعریف می کنید، شخصیتی را به عنوان روزه دار معرفی کنید و توضیح دهید که او به عنوان یک روزه دار چه کارهایی را انجام نمی دهد و دلیل روزه داری اش چیست.

همچنین می توانیم با نشان دادن مثال ها در زندگی روزمره به کودکان آموزش دهیم. به عنوان مثال، می توان نماز را در خانه به عنوان یک نمونه عملی به نمایش گذاشت یا آن را به بخشی از بازی های کودکانه مانند "خاله بازی" تبدیل کرد.

از طرف دیگر، باید به کودک اجازه داده شود تا سوالاتش را بپرسد و به آن ها پاسخ داده شود. این امر به درک عمیق تر او از مسائل دینی کمک خواهد کرد. زمانی که کودک خود سوالی درباره احکام مطرح می کند، بهترین زمان برای آموزش فراهم می شود و اگر این فرصت از دست برود، ممکن است دیگر اشتیاقی به شنیدن نداشته باشد.

علاوه بر این، می توان با طرح سوالاتی آن ها را به چالش کشید و درباره شیوه های اجرای عبادات و احکام حلال و حرام پرسش هایی مطرح کرد و پاسخ هایشان را اصلاح نمود. البته این کار باید در فواصل زمانی متفاوت و هر بار با یک یا دو سوال انجام شود تا شوق کودک به پاسخگویی حفظ گردد.

بنابراین، می توان گفت که یکی از مهم ترین و اساسی ترین راهکارهای انتقال ارزش های دینی به کودکان، آشنایی کامل با احکام و مسائل دینی است که این امر باعث استحکام پایه های دینی فرد خواهد شد.

۱-۳- تقویت نیروی ایمان

تقویت ایمان و باورهای مذهبی در کودکان نقش مهمی در جلوگیری از اشتباهات و لغزش‌های آن‌ها و اصلاح رفتارشان دارد. این حقیقتی غیرقابل انکار است و از زمان‌های گذشته در میان خانواده‌ها به‌عنوان یک اصل پذیرفته شده شناخته می‌شود. تاریخ و تجربیات نشان می‌دهد که افرادی که از اعتقادات مذهبی عمیق برخوردارند و به اصول و ارزش‌های آن‌ها پایبند هستند، معمولاً افرادی نیکوکار و دور از خطاها و مفسدات اجتماعی و انحرافات اخلاقی به شمار می‌آیند. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که افرادی که ایمان عمیقی دارند و خود را در حضور خداوند احساس می‌کنند و به پیام‌های آسمانی توجه می‌کنند، کمتر در معرض آلودگی‌ها و اشتباهات قرار می‌گیرند. به همین جهت امام صادق (علیه السلام) فرمود:

«بَادِرُوا أَوْلَادَكُمْ بِالْحَدِيثِ قَبْلَ أَنْ يَسْبِقَكُمْ إِلَيْهِمُ الْمُرْجَةُ»؛ «نوجوانان خود را با احادیث و معارف ما آشنا کنید قبل از اینکه گروه‌های منحرف بر شما پیشی گیرند و آنان را به انحراف بکشانند» (حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ص ۱۹۶). امام مجتبی (علیه السلام) نیز در مورد تأثیر آیات قرآن فرمود:

«در این قرآن چراغ‌های هدایت و شفای سینه‌هاست برای هر عارف صاحب بصیرتی شایسته است که در پرتو نور آن به قلب خویش جلا دهد و هر نکته سنجی را رواست که دل خویش را به توسط قرآن مهار کند و تفکر در آن حیات بخش قلب‌هاست و کسانی که به دنبال آن می‌روند، مانند کسانی هستند که در تاریکی‌ها به سراغ نور می‌روند.» (مجلسی، ۱۴۰۴، ص ۳۴۵)

۱-۴- شرکت دادن کودک در مراسم‌های دینی

شرکت دادن کودکان در مراسم مذهبی برای آشنایی آن‌ها با ارزش‌های اسلامی ضروری است؛ چرا که کودک با چشمان خود شاهد حضور مردم در مکان‌های دینی می‌شود و نحوه ابراز احساسات نسبت به بزرگان دین را یاد می‌گیرد. به ویژه، مشارکت کودک در نماز جماعت و بردن او به مسجد نقش مهمی در انتقال ارزش‌های دینی به او دارد؛ زیرا مسجد در اسلام جایگاه ویژه‌ای دارد و نماد دین به شمار می‌آید. هر جا که مسجدی باشد، نشان‌دهنده وجود مسلمانان در آن منطقه است. مسجد علاوه بر اینکه محل تجمع مسلمانان و مکانی برای وعظ و تصمیم‌گیری‌های سیاسی و اجتماعی است، ارزش معنوی نیز دارد و همواره مورد احترام مردم بوده است. در اسلام، مسجد آداب خاصی دارد که مردان و زنان مسلمان باید به آن‌ها پایبند باشند. به طور کلی، هر گونه بی‌احترامی به مسجد جایز نیست و نباید در آنجا انجام شود (پاک‌نیا، ۱۳۹۲، ص ۳۱).

یکی از کاربردهای مهم مسجد که بر سایر کاربردهای آن غالب است، نقش عبادی آن است. صدای اذان که از بلندگوی مسجد به گوش می‌رسد، نشانه‌ای از فرارسیدن وقت نماز است و مؤمنان با شنیدن اذان به سمت مسجد می‌روند. حضور زنان و مردان، بزرگسالان و کودکان، و حتی شاهان و فقرا در مساجد، صحنه‌های زیبا و دلنشینی را به وجود می‌آورد که برای هر انسان مؤمن و خداجو لذت‌بخش است. همراه بردن کودکان به مسجد و شرکت دادن آن‌ها در نماز جماعت، نه تنها این صحنه‌ها را جذاب‌تر می‌کند بلکه تصویر این مناظر را در ذهن آن‌ها زنده نگه می‌دارد و آن‌ها را به برگزاری برنامه‌های دینی، به ویژه نماز جمعه و جماعت، تشویق می‌کند.

جریان مباحثه یکی از داستان‌های زیبا و جذاب قرآنی و تاریخی است که در زمان حیات رسول خدا (صلی الله علیه وآله و سلم) اتفاق افتاد و تأثیر زیادی بر نصاری بنی‌نجران گذاشت. فاطمه زهرا (سلام الله علیها) به عنوان دختر پیامبر (صلی الله علیه وآله و سلم) در این واقعه مهم به همراه فرزندان خردسالش، حسن (علیه السلام) و حسین (علیه السلام)، در کنار پدر و شوهر بزرگوارش شرکت کرد (آل عمران: آیه ۶۱). این حضور باعث شد که هیأت بنی‌نجران از تصمیم خود منصرف شوند و به صلح با رسول الله (صلی الله علیه وآله و سلم) تن دهند. وقتی اسقف نجران پیامبر (صلی الله علیه وآله و سلم) و همراهانش را دید، ترسی عجیب در دلش ایجاد شد و گفت: «چهره‌هایی را می‌بینم که اگر از خدا بخواهند تا کوه‌ها از جا کنده شوند، این کار انجام می‌شود.» او به یارانش گفت که اگر با این گروه مباحثه کنند، نسل یهود برای همیشه از روی زمین برچیده خواهد شد. به همین دلیل، در همان مکان، مسجدی به نام مسجد مباحثه ساخته شد که امروزه محل تجمع مسلمانان است. (پاک نیا، ۱۳۹۲، ص ۳۱). این واقعه نشان می‌دهد که حضور کودکان در مسجد می‌تواند آن‌ها را با مناسک و ارزش‌های دینی آشنا کرده و به آن‌ها انس ببخشد.

۲- راهکارهای غیرمستقیم انتقال ارزش‌های دینی به کودکان از منظر

روایات

نتایج بهره‌برداری از راهکارهای غیرمستقیم به مراتب بهتر از راهکارهای مستقیم است، زیرا در روش‌های مستقیم، تذکرات مکرر و متوالی ممکن است منجر به لجابت و واکنش منفی کودک شود و بیان ایرادات و نصایح احساسات او را جریحه‌دار کند.

۲-۱- ارائه الگو و سرمشق مناسب

یکی از شیوه‌های غیرمستقیم برای انتقال ارزش‌های دینی به کودکان، استفاده از الگوهاست که می‌توان آن را «روش الگویی» نامید. این روش در تمام جنبه‌های زندگی کاربرد دارد و به دلیل ارائه محتوای تربیتی به شکل عینی و عملی، در انتقال مفاهیم و آموزش برنامه‌های تربیتی بسیار مؤثر است. به همین دلیل، در متون اسلامی بر اهمیت استفاده از الگو و پیروی از شخصیت‌های نیکو تأکید شده است (قائم‌ی مقدم، ۱۳۸۶، ص ۲۲).

از دیدگاه ائمه اطهار (علیهم السلام)، هنگامی که کودک به دنیا می‌آید، دارای استعداد فطری و آمادگی ذاتی برای یادگیری و تربیت است. بنابراین، لازم است که یک الگوی تربیتی مناسب برای او فراهم شود تا از طریق مشاهده رفتار این الگوها، به ویژه والدین، الگوبرداری کند و از آن‌ها پیروی نماید. در صورتی که چنین الگویی در دسترس فرزند نباشد، قطعاً تربیت او با انحراف مواجه خواهد شد.

امام هادی (علیه السلام) در مرحله اول، قرآن و اهل بیت (علیهم السلام) را به عنوان بالاترین الگوی تربیتی معرفی می‌کند و چنین می‌فرماید:

«نخستین خبری که حقانیت و صدق آن از قرآن به دست می‌آید و می‌توان کتاب خدا را بر آن گواه گرفت، حدیثی است که بر طبق کتاب خدا و پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) نقل شده است و اختلاف کلمه‌ای در آن نیست که فرمود: من در میان شما دو چیز گران بها می‌گذارم: کتاب خدا و عترتم یعنی اهل بیت را که هر گاه به آن تمسک جوید، گمراه نمی‌شوید و این دو هیچ گاه از هم جدا نشوند تا کنار حوض کوثر بر من وارد شوند، و ما چون شواد صدق این حدیث را به صراحت در قرآن می‌یابیم که می‌فرماید: ولی و صاحب اختیار شما تنها خدا و پیامبر اوست و کسانی که ایمان آوردند؛ همان کسانی که نماز را به پا می‌دارند و زکات

را در حال رکوع می‌پردازند و هر کس خدا و پیامبر او و کسانی را که به او ایمان آوردند (اهل بیت (علیهم السلام) را ولی خود بگیرد، پیروز است؛ زیرا حزب خدا پیروز و سعادتمند است.» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۰)

امام هادی (علیه السلام) در زیارت جامعه کبیره، ائمه معصوم (علیهم السلام) را به عنوان بهترین سرمشق‌های انسان‌های هدایت‌جو می‌داند و چنین می‌فرماید:

«سلام بر پیشوایان هدایت و چراغ‌های ظلمت و نشانه‌های پرهیزکاری و صاحبان خرد و دارندگان عقل و پناه مردم و وارثان انبیا و نمونه و سرمشق برتر و دعوت‌کنندگان نیکو و محبت‌های خدا بر اهل دنیا و آخرت و سرای نخستین.» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۰) بنابراین باید از شیوه‌های اجرایی در انتقال این ارزشها در روایات الگو گرفت.

۲-۲- بیان عبرت و پندآموزی

یکی از موثرترین شیوه‌های غیرمستقیم برای انتقال ارزش‌های دینی به کودکان، که در روایات و رفتارهای پیشوایان دینی ذکر شده، روش عبرت است. عبرت حالتی است که ناشی از مواجهه با موضوعات ظاهری و قابل مشاهده برای انسان ایجاد می‌شود و به درک باطنی و غیرمشهود منجر می‌گردد (قائمی مقدم، ۱۳۸۶، ص ۲۲).

امیرالمؤمنین (علیه السلام) در تربیت فرزند خود از همین روش استفاده کرده و در نامه‌ای به امام حسن (علیه السلام) می‌فرماید:

«... يَا بُنَيَّ إِنِّي قَدْ أَنْبَأْتُكَ عَنِ الدُّنْيَا وَحَالِهَا، وَزَوَالِهَا وَانْتِقَالِهَا، وَأَنْبَأْتُكَ عَنِ الْآخِرَةِ وَ مَا أُعِدَّ لِأَهْلِهَا فِيهَا، وَضَرَبْتُ لَكَ فِيهِمَا الْأَمْثَالَ، لَتَعْتَبِرَ بِهَا وَتَحْذُو عَلَيْهِا؛ «پسر عزیزم! من تو را از دنیا و تحولات گوناگونش و نابودی و دست به دست گردیدنش آگاه کردم و از آخرت و آنچه

برای انسان‌ها در آنجا فراهم است اطلاع دادم و برای تو از هر دو مثال زدم تا به آن پندپذیری و براساس آن در زندگی گام برداری.» (نهج البلاغه، نامه ۳۱).

در این متن، حضرت اشاره می‌کنند که من اخبار را برای تو نقل کردم، نشانه‌ها را توضیح دادم و مسیر را به تو نشان دادم و اکنون بر عهده توست که پند بگیری و زندگی‌ات را بر اساس آن پیش ببری. بنابراین، عبرت‌آموزی به عنوان یک شیوه تربیتی دیگر مطرح می‌شود (قائمی مقدم، ۱۳۸۶، ص ۲۲).

اصل کلیدی که بر این روش حاکم است، تفکر و تعقل است. زیرا بدون این اصل، شنیدن وقایع تاریخی و مشاهده آثار گذشتگان، هیچ معنا و محتوایی نخواهد داشت و تنها به شکل آثار بی‌روحي خواهد بود که بدون هدف از کنار انسان می‌گذرد، بی‌آنکه اندیشه‌ای را در ذهن ایجاد کند. اگر این احساس ظاهری با تأمل و تفکر درونی همراه شود، به اعتبار و بینش منجر خواهد شد و مصداق کلام علی (علیه السلام) خواهد بود که می‌فرماید: «تَفَكُّرُكَ يُفِيدُكَ الْأَسْتَبْصَارَ وَ يَكْسِبُكَ الْأَعْيَارَ»؛ «فکر کردن به تو، بینایی و عبرت گرفتن می‌بخشد» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ج ۳، ص ۳۱۶).

بنابراین، در سایه تفکر و اندیشه، محسوسات معنا پیدا می‌کنند و حالتی در انسان به وجود می‌آید که او را قادر می‌سازد از ظواهر عبور کند و به معانی عمیق و کشف حقیقت برسد و در واقع به نوعی بصیرت دست یابد. این بصیرت، ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها را برای او مشخص می‌کند و به عنوان راهنمای عمل و رفتار او عمل می‌کند (قائمی مقدم، ۱۳۸۶، ص ۲۲).

تأکید مکرر قرآن و روایات بر سیر و سفر و مطالعه سرگذشت اقوام و ملل و عبرت گرفتن از آن‌ها به دلیل آثار تربیتی متعددی است که این موضوع به دنبال دارد. به عنوان مثال، یکی از مهم‌ترین اهداف تربیت این است که انسان به سطحی از درک و بصیرت برسد که بتواند از

ظواهر امور فراتر رود و به باطن آن‌ها نگاه کند. او باید از محسوسات بگذرد و به معقولات دست یابد و توانایی تحلیل، ارزیابی، حل و فصل مسائل و تصمیم‌گیری در ابعاد مختلف زندگی را کسب کند. عبرت راهی است که می‌تواند انسان را به این هدف تربیتی برساند و شاید مهم‌ترین اثر تربیتی عبرت نیز همین باشد.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) در کلام خود بر این اثر عبرت تصریح کرده چنین می‌فرماید: «مَنْ اَعْتَبَرَ اَبْصَرَ وَمَنْ اَبْصَرَ فَهُمْ وَمَنْ فَهُمْ عَلِمَ»؛ «کسی که عبرت آموزد، آگاهی یابد و کسی که آگاهی یابد، می‌فهمد و آنکه بفهمد، دانش آموخته است» (نهج البلاغه، حکمت ۲۰۸).

و در جای دیگر می‌فرمایند:

«رَحِمَ اللَّهُ أُمْرِي تَفَكَّرَ فَأَعْتَبَرَ وَاعْتَبَرَ فَأَبْصَرَ...»؛ «خدا رحمت کند کسی را که بیندیشد و سپس پند پذیرد، و اندرز گیرد و سپس بینا گردد...» (نهج البلاغه، خطبه ۱۰۳).

نتیجه به دست آمده از این دو کلام این است که تفکر زمینه‌ساز عبرت است و عبرت زمینه بصیرت را فراهم می‌آورد. آن حضرت در سخنی دیگر انسان بصیر را چنین توصیف می‌کند: «إِنَّمَا الْبَصِيرُ مَنْ سَمِعَ فَتَفَكَّرَ، وَنَظَرَ فَأَبْصَرَ، وَانْتَفَعَ بِالْعِبَرِ...»؛ «همانا بینا کسی است که (به) درستی) بشنود و سپس (در آن) بیاندیشد، و (به درستی) بنگرد و بینا گردد و از عبرت‌ها پند گیرد...» (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۳).

این سخن بدین معناست که انسان تنها زمانی به بصیرت و بینش واقعی می‌رسد که به شنیدن بسنده نکند و در مطالب شنیده‌شده تفکر کند و با دقت به مسائل بنگرد. نتیجه این تفکر و دقت، همان عبرتی است که در تصمیم‌گیری‌ها و رفتار فرد تأثیرگذار خواهد بود. از مباحث قبلی می‌

توان نتیجه گرفت که عبرت حالتی است که در اثر رویدادهای خاص برای انسان ایجاد می‌شود. در این حالت، فرد از یک موضوع محسوس و ظاهری به درکی باطنی و غیرمحسوس دست می‌یابد. پیامد این درک، تغییراتی در رفتار فرد خواهد بود. فرد خود نقش اصلی را در ایجاد این حالت بر عهده دارد و از این رو، عبرت به عنوان یک روش خودتربیتی شناخته می‌شود. همچنین، ممکن است دیگران نیز شرایطی را برای به وجود آمدن چنین حالتی فراهم کنند که در این صورت، این روش یک شیوه تربیتی دیگر به حساب می‌آید. مهم‌ترین منبع عبرت‌آموزی، جهان و تاریخ بشر است و مهم‌ترین روش آن، آشنایی با دنیا و سنت‌های حاکم بر زندگی انسان‌ها در طول تاریخ می‌باشد (قائم‌ی مقدم، ۱۳۸۶، ص ۲۲).

۲-۳- تشویق به تفکر در پدیده‌های هستی

یکی از وظائف والدین در تربیت دینی فرزندان تشویق فرزند خود به تفکر و اندیشه است. تفکر در آموزه‌های دینی یکی از فعالیت‌های بسیار ارزشمند به شمار می‌رود به نحوی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) ارزش آن را معادل هفتاد سال عبادت بیان می‌نمایند:

«تَفَكَّرُ سَاعَةً خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةٍ سَبْعِينَ سَنَةً»؛ «یک ساعت تفکر را از هفتاد سال عبادت برتر است.» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۰، ص ۳۲۶).

حضرت علی (علیه السلام) نیز در این زمینه می‌فرمایند: «لَا عِلْمَ كَالْتَفَكْرِ»؛ «هیچ دانشی مانند اندیشیدن نیست.» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۶۹، ص ۴۰۹).

والدین با صحبت درباره زیبایی و مفاهیم مختلف می‌توانند در ذهن فرزندان خود سؤالات و اندیشه‌های جدیدی را ایجاد کنند و به آن‌ها بفهمانند که زیبایی امری است که انسان به آن تمایل دارد. به عنوان مثال، وقتی که فردی در زیبایی یک غروب دل‌انگیز غرق می‌شود یا جذب

زیبایی یک گل می‌شود، به همین دلیل به سمت آن جذب می‌گردد. در این زمینه، اندیشه‌ها و افکار نو و بدیع می‌توانند زیبایی و جذابیت افراد را تحت تأثیر قرار دهند. اما هنگامی که انسان‌ها از این زیبایی‌ها بهره‌مند نباشند و از آن‌ها بی‌خبر باشند، به سمت چیزهایی می‌روند که در دسترس دارند و سعی می‌کنند با نمایش و عرضه آن‌ها خود را معرفی کنند و توجه دیگران را جلب نمایند تا کمبودهای خود را پنهان کنند.

با توجه به این نکات، والدین باید به کودکان و نوجوانان بیاموزند که درباره پدیده‌های اطراف خود فکر کنند و هر چیزی را بدون تأمل نپذیرند؛ بلکه تلاش کنند به عمق معانی و مفاهیم بپردازند، رفتارها را مورد توجه قرار دهند، سؤال کنند و همواره در جهت ارتقاء و افزایش دانش و آگاهی خود تلاش نمایند (شاگری‌نیا، ۱۳۸۳، ص ۱۵۵). غفلت در تربیت دینی فرزند می‌تواند باعث شود که او به نکات دقیق و زیبایی‌های آفرینش و به آفریننده هستی توجه نکند و هدف از آفرینش را به درستی درک نکند.

نتیجه گیری

سرنوشت هر کودک تا حد زیادی به والدین بستگی دارد، بنابراین میزان آگاهی آن‌ها و توجه‌شان به تعلیم و تربیت فرزندشان اهمیت دارد. اگر پدر و مادر به درستی وظایف خود را انجام دهند، می‌توانند با به‌کارگیری روش‌های مؤثر تربیتی، به شکوفایی هویت دینی و اخلاقی فرزندان خود کمک کنند و سعادت و آینده آن‌ها را تضمین نمایند. همچنین، خودشان از وجود چنین فرزندان شایسته‌ای بهره‌مند خواهند شد و به جامعه نیز خدمت بزرگی انجام خواهند داد.

آموزش کودکان درباره ارزش‌های دینی از اهمیت بالایی در آینده و سرنوشت آن‌ها برخوردار است. برای شکل‌گیری این ارزش‌ها می‌توان از روش‌های مختلفی، از جمله روش‌های مستقیم و غیرمستقیم، استفاده کرد. آشنا کردن کودکان با علوم اهل بیت (علیهم السلام)، سیره عملی و گفتاری آن‌ها، آموزش احکام و مسائل دینی، تقویت ایمان، شرکت دادن کودکان در مراسم‌های دینی، ارائه الگوهای مناسب، بیان عبرت‌ها و پندها و تشویق به تفکر در پدیده‌های هستی، از جمله راهکارهای مستقیم و غیرمستقیم انتقال ارزش‌های دینی به کودکان از منظر روایات است. تربیت دینی باید از دوران کودکی آغاز شود، زمانی که ذهن کودک آماده پذیرش ارزش‌ها و الگوهاست. والدین و جامعه می‌توانند با اقدامات هدفمند، نسلی آگاه، متعهد و اخلاق‌مدار پرورش دهند.

مدارس نیز می‌توانند از طریق برنامه‌های آموزشی و فرهنگی در تربیت دینی نقش مؤثری داشته باشند. رسانه‌ها با ارائه محتوای مناسب می‌توانند ارزش‌های دینی را به کودکان منتقل کنند و مراکز مذهبی نیز با برگزاری برنامه‌های ویژه برای کودکان، تجربه عملی ارزش‌های دینی را به آن‌ها آموزش دهند.

فهرست منابع

- * قرآن، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
- * نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی.
- ۱- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۸)، **لسان العرب**، بیروت: داراحیاء التراث.
- ۲- احسانی، محمد (۱۳۸۵)، تربیت دینی خانواده، **فصلنامه معرفت**، شماره ۳۲، ۳۴-۲۵.
- ۳- احسانی، محمد (۱۳۸۵)، روش‌های گفتاری آشناسازی کودکان با سیره اهل بیت (علیهم السلام)، مجله شمیم یاس.
- ۴- پاک نیا، عبدالکریم (۱۳۹۲)، **حقوق متقابل والدین و فرزندان (آموزه‌های اهل بیت (علیهم السلام) برای زندگی بهتر)**، چاپ سیزدهم، قم: نشر کمال الملک.
- ۵- تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد (۱۳۶۶)، **تصنیف غررالحکم ودررالحکم**، محقق: درایتی، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- ۶- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹)، **وسایل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه**، قم: موسسه آل البیت (علیهم السلام)، چاپ اول.
- ۷- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳)، **لغت‌نامه دهخدا**، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۸- ساروخانی، باقر (۱۳۷۵)، **روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی**، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

۹- سعید شریعتی، شهر؛ قدیمی، گویا (۱۳۹۵)، بررسی مفهوم ارزش‌های دینی و اخلاقی

از دیدگاه اسلام و فلسفه، کنفرانس ملی دانش و فناوری روانشناسی، علوم تربیتی و

جامع روانشناسی ایران، تهران، ۵۹۱۳۲۶/https://civilica.com/doc/

۱۰- شاکری‌نیا، ایرج (۱۳۸۳)، تربیت دینی با تأکید بر نقش مهم خانواده، فصلنامه

مصباح، ۵۰، ص ۱۵۵.

۱۱- فرامرزی، فاطمه (۱۴۰۲)، اهمیت انتقال اصول و ارزش‌های دینی به کودکان و

نوجوانان، مجموعه مقالات اولین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های مدیریت، تعلیم

و تربیت در آموزش و پرورش، تهران، ۱۹۹۹۶۳۷/https://civilica.com/doc/

۱۲- فتوحی، سید حسین، موسوی نسب، محمد رضا (۱۳۹۴)، راهکارهای انتقال ارزش

های دینی به کودکان دبستانی، نشریه معرفت، ۲۴ (۲۰۹)، ۱۰۷-۱۱۶.

۱۳- فیومی، أبو العباس (۱۴۲۸ق)، مصباح المنیر، بیروت: المكتبة العلمية، بی‌تا.

۱۴- قائمی مقدم، محمدرضا (۱۳۸۶)، مقاله عبرت و تربیت در قرآن و نهج البلاغه (۱)،

مجله حوزه و دانشگاه، ۲۷، ۲۵-۲۲.

۱۵- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴)، بحارالانوار، بیروت: موسسه الوفا.

۱۶- معین، محمد (۱۳۸۶)، فرهنگ معین، چاپ دوم، تهران: زرین.

۱۷- مقدسی‌پور، علی (۱۳۸۱)، اصول و روش‌های آموزش مفاهیم دینی به

کودکان دبستانی، پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد، رشته علوم تربیتی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی قدس سره.

۱۸- موسوی خمینی، روح الله (۱۳۸۶)، روح نقطه عطف؛ اشعار عارفانه امام

خمینی و نامه‌ای از آن حضرت به احمد خمینی، چاپ هشتم، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (رحمه الله علیه).

